

# رؤیایی که کابوس شد

## بهاره برهانی

فرهنگی از فرهنگ وجود دارد، اتفاق نظر کاملی در جزئیات تعریف فرهنگ وجود ندارد و نگرش‌های چند گانه ای به مسائل فرهنگی و در نتیجه توسعه فرهنگی موجود است.

بنابر تعاریف بیان شده، توسعه فرهنگی عبارت است از رشد آگاهی‌ها، قابلیت‌ها و امکانات هر قوم در برآوردن نیازهای مادی و معنوی. بنابر تعریف دیگر، توسعه فرهنگی عبارت است از نشای بذر فرهنگ بومی در تک تک افراد جامعه و تلاش در رشد و پرورش این بذر تا آنجا که امکانات خدادادی هر فرد میسر می‌سازد و علاوه بر آن فراهم آوردن شرایط تعامل مطلوب بین فرهنگ بومی و فرهنگ غیربومی به منظور دستیابی به جایگاه جهانی بالاتر.

### الزامات توسعه فرهنگی

شاید بدیهی باشد که وقتی سخن از نفت، پول، سهام، بورس، امنیت داخلی و خارجی، معادلات سیاسی، احزاب، رقابت‌ها و رو کم کنی‌های سیاسی و غیره است، مباحثی چون کتاب‌خوانی، تربیت، کارکرد فرهنگی رسانه‌ها، هویت فرهنگی و... محلی از اعراب نیابند. این روزها در دعوای و مقال پیرامون تقدم و تأخر توسعه اقتصادی و توسعه سیاسی، بحث درباره توسعه فرهنگی چندان مورد توجه قرار نمی‌گیرد. فرهنگ و توسعه فرهنگی به نوعی نمک مباحث توسعه اقتصادی و توسعه سیاسی محسوب می‌شود و گاهی حتی این هم نیست و کارکرد آن دل‌بخوایی و در حدی است که می‌توانی از آن استفاده بکنی یا نکنی! حتی اگر آنچه گفته شد بیانی عوامانه و ساده از موضوعی به ظاهر مهم باشد، چیزی است که اتفاق می‌افتد.

در نگرش سیستمی، همه ارتباطها تعاملی است و همه مؤلفه‌های یک سیستم به همدیگر بازخورد می‌دهند. اصولاً ما سیستمی نمی‌اندیشیم و عمل نمی‌کنیم. هر کسی در گوشه ای کار خود را می‌کند و بعد تلاش می‌کنیم با گفته‌ها و شعارها حلقه‌هایی نامرئی برای ارتباطهایی که وجود ندارند بسازیم. افکار فردی و گروهی و حزبی نیز به جای آنکه توضیح بدهند نگاه تعاملی به اقتصاد، سیاست و فرهنگ دارند، در

توسعه عبارت از فرایند بسیار پیچیده ای است که طی آن جامعه از یک دوران تاریخی به دوران جدیدی منتقل می‌شود. این فرایند در هر مرحله از جریان انتقالی خویش، ابعاد مختلف زندگی را متحول می‌سازد. این مجموعه ارتباطات متقابل و چند سویه در نهایت جامعه ای نو به وجود می‌آورد که در آن تمامی ابعاد زندگی بشری نسبت به وضعیت گذشته خویش تحولی بنیادین می‌یابد.

در لغت نامه دهخدا توسعه به معنی فراخ و فراخ کردن آمده است. در تعبیری دیگر نیز توسعه در فرایند تلاش انسان برای ایجاد تعادل بین نیازها و خواسته‌های خود و امکانات بالقوه و بالفعل در جامعه و محیط زیست پدید می‌آید. یعنی توسعه در اثر واکنش به رابطه نامتعادل بین نیازها و خواسته‌های انسانی از یک سو و امکانات موجود از سوی دیگر پدید می‌آید. از آنجا که امکانات در جوامع انسانی، به علت استفاده نامطلوب و یا در واقع به علت شکل‌گیری روابط اجتماعی ناعادلانه، به صورت مطلوب و عادلانه توزیع نمی‌شود، توسعه نیز به اشکال گوناگون پدیدار می‌شود. بنابراین مهم‌ترین و بزرگ‌ترین مشکل توسعه در جهان امروز، توسعه ناموزون و عوارض نامطلوب آن است.

اما مفهوم فرهنگ نخستین بار توسط مردم شناس انگلیسی، سر ادوارد بارنت تیلور در سال ۱۸۷۱ به کار رفت. وی فرهنگ را مجموعه ای پیچیده می‌داند شامل دانش‌ها، باورها، هنر، قوانین، اخلاق، آداب و رسوم و دیگر قابلیت‌ها و عادت‌هایی که انسان به عنوان عضو جامعه آنها را فرا می‌گیرد. پس از تیلور تعریف‌های فرهنگ گسترش یافت و به بیش از صد تعریف رسید. به طور مثال در تعریف گسترده آن آمده است: فرهنگ نظام مشترکی از باورها، ارزش‌ها، رسم‌ها، رفتارها و مصنوعات است که اعضای یک جامعه در تطبیق با جهانشان و در رابطه با یکدیگر به کار می‌برند و از راه آموزش از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌یابد.

اما وقتی دو واژه توسعه و فرهنگ با هم همراه می‌شوند، یافتن شاخص‌هایی برای آن با دیدگاه‌ها و نظرهای متعددی رو به رو می‌شود، چرا که با وجود تمام مشابهت‌هایی که در تعریف متخصصان حوزه‌های

# توسعه فرهنگی

می‌اندازد. علاوه بر آن به عوامل دیگری چون نبود نظریه فرهنگی و نبود تفکر جامع و منسجم باید اشاره کرد. بسیاری از موضوعها و مباحثی که بن مایه فرهنگی دارند هنوز در جامعه ما وضعیت شفاف و روشنی ندارند. ریشه یابی این مسئله ناخودآگاه نگاهها را متوجه نظام تربیتی رسمی (آموزش و پرورش) کشور می‌کند. در آنجا نیز به جای پرداختن به بنیادهای تربیت، سرمایه گذاری منطقی و حساب شده روی تربیت فرهنگی، نظام آموزشی و روشهای ارزشیابی و تدریس و... را تغییر داده ایم و البته از آنجا که این تغییرات پایه و بنیاد محکمی نداشته، منجر به هیچ تحولی در نظام آموزش و پرورش نشده است.

## سهم تئاتر از توسعه فرهنگی

تئاتر ما هم از آنجا که همیشه در محاق بوده، در مرور تاریخ کوتاه آن هرگز نشانی از برنامه‌های جامع و منسجمی که حکایت از تغییر وضع و حال و حرکت رو به جلویی داشته باشد دیده نمی‌شود. جا به جا پر از رد پای تصمیم‌ها و برنامه‌هایی است که یا نصفه و نیمه رها شده یا هرگز مجالی برای طرح و اجرا پیدا نکرده‌اند. در آن ابتدا همه تلاش‌ها برای باور این هنر وارداتی و جا انداختن آن به عنوان هنری فاخر بود؛ تلاشی که هنوز هم ادامه دارد و همه چیز در راستای به رسمیت شناختن تئاتر است. در سال‌های بعد از انقلاب اما پس از راه اندازی جشنواره‌های فجر و به مرور سایر جشنواره‌های مناسبی و غیرمناسبتی عمده رویداد بحث انگیز به حدود چهار سال پیش برمی‌گردد؛ نخست شورایی شدن تئاتر کشور و بعد تنظیم سند توسعه تئاتر کشور. اگرچه سند توسعه تئاتر محور توجه بحث ما و آن چیزی است که حلقه ارتباط تئاتر و توسعه فرهنگی است اما برای رسیدن به بحث پیرامون آن، ناگزیریم به دلایل شکل گیری آن که همان شورای تئاتر کشور است، بپردازیم.

## شورایی شدن تئاتر، رؤیایی که به حقیقت نزدیک شد

پس از اینکه دکتر ایمانی به معاونت هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی منصوب شد، بحث و مشارکت فعال هنرمندان در تصمیم گیری و سیاست گذاری هنری و مشاوره با هنرمندان در امور مدیریتی به عنوان یک اصل مهم

این باره بحث می‌کنند که از دید هر کدام، چه نوع توسعه ای اولویت دارد. در دعوی اولویتی توسعه هم، البته موضوع‌های اصلی، سیاست و اقتصاد هستند و اصلاً کسی به فرهنگ اهمیتی نمی‌دهد. همیشه بحث بر سر این است که مسیر توسعه کشور از سیاست می‌گذرد یا اقتصاد؛ و فرهنگ هم همیشه در حاشیه می‌ماند. اما قضیه به همین جا ختم نمی‌شود. با چنین نگرشی، فرهنگ نه تنها در حاشیه قرار می‌گیرد بلکه به صورت ابزاری برای اهالی اقتصاد و به ویژه سیاست در می‌آید.

نگاه سیاسی به فرهنگ نیز باعث می‌شود تنها در ضرورت‌های سیاسی به فرهنگ پرداخته شود، فرهنگ به کمترین حد اهمیت در نظام اجتماعی تنزل پیدا کند، جایگاه راهبردی فرهنگ مورد غفلت قرار گیرد، هویت فرهنگی به بازی‌های سیاسی تبدیل شود، اصول و برنامه‌های فرهنگی با تغییرات سیاسی دچار دگرگونی‌های اساسی شوند، به مؤلفه‌های فرهنگی لطمه‌های شدید وارد آید، در جایگاه‌های سهم خواهی و سهم دهی کمترین سهم به فرهنگ تعلق گیرد، در تقسیم پست‌های مدیریتی با اعمال تبعیض، افراد ضعیف تر برای فرهنگ انتخاب شوند، نگاه غیرتخصصی به موضوع‌های فرهنگی گسترش یابد، ضرورت ارتباط‌های تعاملی بین سیاست، اقتصاد و فرهنگ درک نشود و... .

## گام اول، شناخت درونی

با آنچه گفته شد این سؤال مطرح می‌شود که ما برای اعتلای فرهنگمان چه کرده ایم؟ به جرئت می‌توان گفت که مهم ترین ضعف‌ها در مباحث هویت و توسعه فرهنگی سهل انگاری در شناخت درونی است. کاستی‌های فراوان و غیرقابل انکاری در این باره وجود داشته و دارد. ما با وجود زمینه‌های فوق العاده مناسب و مستعد در فرهنگ ملی و مذهبی، در عمل و شناخت فرهنگ خودمان بسیار ضعیف عمل کرده ایم و به تبع آن در معرفی داشته‌های خود به دیگران نیز موفق نبوده ایم. دلیل آن هم در سطور قبل ذکر شد؛ وقتی سیاست و اقتصاد به هر دلیلی بر فرهنگ پیشی می‌گیرند و فرهنگ به حاشیه رانده می‌شود، طبیعی است که گرد و غبارهای ناشی از دعوای اقتصادی و سیاسی، بر فرهنگ سایه

در نظر گرفته شد. هنگامی که دکتر خسرو نشان در سال ۸۲ به عنوان رئیس مرکز هنرهای نمایشی انتخاب شد، با اعتقاد به این اصل مهم و ضروری، پس از رایزنی و تبادل نظر با کارشناسان تئاتر، تصمیم به تشکیل شورایی متشکل از هنرمندان تئاتر کشور گرفت. چنین شورایی در نظام مدیریتی تئاتر کشور سابقه نداشت و همواره مدیران با توجه به سنت کاری مدیران قبلی و نیز با سلیقه خود، برنامه‌ها و سیاست‌های تئاتر را تعیین می‌کردند، که اغلب به دلیل اشراف نداشتن به موضوع، تأثیر چندانی بر جا نمی‌گذاشت.

فراموش نکنیم در شیوه اداره شورای تئاتر، برخی صاحب نظران و فعالان و بزرگان تئاتر در شورایی که به پارلمان موسوم است به رایزنی و تصمیم گیری در خصوص مباحث و سیاست‌های کلان تئاتر کشور می‌پردازند. این میان نگارش و تنظیم سند توسعه تئاتر ایران به عنوان اولین و مهم ترین برنامه شورای تئاتر است که دکتر خسرو نشان پایه‌ریزی کرده بود، مطرح شد. شایان ذکر است که اعضای این شورا از هنرمندان فعال و پیش کسوتان عرصه تئاتر، از جمله دکتر محمدرضا خاکی، عزت الله انتظامی، علی نصیریان، دکتر حسینیعلی طباطبایی، دکتر محمود عزیزی، تاجبخش فناپیان، سعید کشن فلاح، ایرج راد، آتیلا پسیانی، فرهاد مهندس پور، مجید جعفری، دکتر فرشید ابراهیمیان، دکتر علی رفیعی، پری صابری، دکتر مجید سرسنگی و رحمت امینی بودند. همچنین این شورا کمیسیون‌های کوچک تری داشت که اعضای آن الزاماً هنرمند تئاتر نبودند و از مدیران مختلف مرکز هنرهای نمایشی بودند.

در سال ۱۳۸۳ شورای توسعه تئاتر تصمیم گرفت دورنمایی برای تئاتر کشور ترسیم کند که در آن همه شاخص‌های کیفی و کمی مدنظر قرار گیرد. در این دورنما که همان «سند ملی توسعه تئاتر» است، مسائل گوناگونی از جمله افزایش سالانه، افزایش بودجه، افزایش مراکز تئاتری مانند پژوهشکده‌ها و نکات دیگری مثل قراردادهای تیپ و بیمه طرح شده بود و در صورت تصویب، ردیف بودجه ای به آن تعلق می‌گرفت که طبق قانون، هر ساله افزایش می‌یافت. شورای توسعه تئاتر در آن زمان متشکل بود از پنج عضو اصلی به نام‌های دکتر خسرو نشان، رحمت امینی، دکتر محمدرضا خاکی، منصور براهیمی و مجید سرسنگی، که دکتر محمدرضا عباسی نیز به عنوان کارشناس مدیریت و برنامه ریزی توسعه، در آن حضور داشت. این شورا تا سال ۱۳۸۴ که سند تئاتر را به طور کامل تنظیم کرد، علاوه بر مطالعات اولیه، جلسات متعددی به منظور کارشناسی با هنرمندان تئاتر داشت تا در ارتباط مستقیم با نیازها و خواست‌های زیربنایی

و اصلی بدنه تئاتر قرار بگیرد، ولی با وجود همه این مطالعات و کارشناسی‌های گوناگون، در پایان با انتقاداتی مواجه شد؛ در حالی که عده ای هم بر این عقیده بودند که بودن هر چیز مدونی که بتوان به آن استناد کرد بهتر از نبودن آن است. به یاد بیاورید شیوه نامه پرداخت دستمزدهای عوامل تئاتر را که گرچه اشکالاتی داشت، اما دستورالعملی قانونی بود که می‌شد به آن استناد کرد و هرگز معلوم نشد به چه دلیل آن را منسوخ کردند، پیش از آنکه قراردادهای تیپ به تصویب نهایی برسد - که هنوز هم نرسیده است، مانند همین سند

تئاتر که تا پشت درهای مجلس رفت و همان جا متوقف ماند. یادآور می‌شویم که سند ملی توسعه تئاتر با توجه به چشم انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران تدوین و در آخرین روزهای دولت محمد خاتمی برای تصویب به مجلس ارائه شد. این سند به منظور نهادینه و قانونمند شدن تئاتر کشور و معرفی هنر تئاتر به عنوان یک ضرورت در جامعه تهیه شده بود. ضمن آنکه همان طور که پیش تر اشاره شد و بنا بر نظر کارشناسان اگرچه در سیاست‌های کلان فرهنگ و هنر کشور و در چشم انداز توسعه بیست ساله کشور بحث فرهنگ مطرح شده اما هنر در مفهوم عام بیان شده و تئاتر که دیگر ... جای خاص و درخور توجهی ندارد! لذا این سند سعی داشت این خلأ را پر کند.

سند ملی توسعه تئاتر پس از پرداختن به مفهوم توسعه، مفهوم هنر و هنرهای نمایشی، در دو بخش طرح توسعه هنرهای نمایشی شامل:

- ۱- سیاست‌های کلان فرهنگ و هنر
- ۲- شناخت و تبیین وضع موجود تئاتر
- ۳- عوامل پیش برنده (امکانات و قابلیت‌ها) و عوامل پیش گیرنده (محدودیت‌ها)
- ۴- هدف کلی توسعه تئاتر
- ۵- اهداف کیفی توسعه تئاتر
- ۶- سیاست‌ها و خط مشی‌های اجرایی و برنامه‌های ملی توسعه تئاتر شامل:

- ۱- برنامه‌های ملی توسعه فرهنگی هنرهای نمایشی
- ۲- برنامه‌های ملی توسعه مدیریت هنرهای نمایشی
- ۳- تدوین برنامه‌های ملی توسعه فرهنگی هنرهای نمایشی
- ۴- تدوین برنامه‌های ملی توسعه مدیریتی هنرهای نمایشی
- ۵- عملیات اجرایی برنامه‌های ملی توسعه هنرهای نمایشی
- ۶- عملیات اجرایی برنامه‌های ملی توسعه مدیریتی هنرهای نمایشی

تهیه و تنظیم شد

هدف از طرح توسعه هنرهای نمایشی ارائه یک ساختار توسعه نظام مند و پایدار با توجه به مسئولیت‌های هدایتی، حمایتی و نظارتی اداره کل هنرهای نمایشی است. در این نظام توسعه ای هنرهای نمایشی، مؤلفه‌های توسعه هنرهای نمایشی در چارچوب سیاست‌های کلان فرهنگ و هنر، شناخت و تبیین وضع موجود تئاتر، عوامل پیش برنده و عوامل پیش گیرنده، اهداف کلی و اهداف کمی توسعه تئاتر و همچنین سیاست‌ها و خط

مشی‌های اجرایی مورد توجه قرار خواهد گرفت. نمودار کارکردهای کلان توسعه هنرهای نمایشی در سند توسعه تئاتر کشور نیز به این شکل تهیه شد. این سند در ادامه و با ترسیم نمودارهایی خردتر به بررسی نقش پشتیبانی‌ها، هماهنگی، نظارت و کنترل در توسعه هنرهای نمایشی می‌پردازد که آوردن آنها در مجال این نشریه نیست. بدین ترتیب دنباله بحث و دلایل به نتیجه نرسیدن یا مسکوت ماندن آن را به گفت و گویی کوتاه با رحمت امینی واگذار کردیم که در ادامه خواهید خواند.

